



فهرست مطالب

۲	یادآوری چند نکته در بحث اوامر.....
۲	نواهی.....
۲	جهت اول بحث: ماده نهی.....
۳	معانی سه گانه ماده نهی در لغت.....
۳	احتمالات در نسبت معانی سه گانه به لحاظ تحلیل لغوی.....
۳	نقد استاد بر مباحث تحلیلی لغوی در کتب لغت.....
۴	نظر استاد در مورد معانی مختلف نهی: اشتراک لفظی.....
۴	جهت دوم بحث: صیغه و هیئت نهی.....
۴	اقوال در موضوع له هیئت نهی.....
۴	نظریه اول: طلب ترک.....
۵	نظریه دوم: زجر و منع تشریعی و اعتباری.....
۵	نظریه سوم: اعتبار حرمان بر عهده مکلف.....



بسم الله الرحمن الرحيم

## یادآوری چند نکته در بحث اوامر

بحث اوامر به پایان رسید البته تذکر و یادآوری چند نکته در بحث اوامر مفید می‌باشد.

۱. نکته اول این است که بحث تقسیمات واجب در کفایه متفرق می‌باشد. بخشی از این تقسیمات مانند واجب نفسی و غیره و تصویر ثبوتی و اثباتی آن‌ها در ابتدای کفایه آمده است و بخش دیگری از این تقسیمات مانند واجب کفایی و امثال آن در اواخر کفایه آمده است که در تنظیم این مباحث، مناسب می‌باشد که این تقسیمات ده‌گانه و مباحث مربوط به این تقسیمات در مقام ثبوت و اثبات در کنار یکدیگر قرار گیرد.
  ۲. نکته دیگری که در تبویب مباحث وجود دارد این است که این تقسیمات مانند تقسیم به ارشادی و الهی، تقسیم به تخییری و تعیینی، تقسیم به کفایی و عینی، همان‌طور که در اوامر و واجبات وجود دارد، در نواهی و محرمات هم وجود دارد و مناسب بود این تقسیمات در فصل مستقلی راجع به تقسیمات حکم، مطرح شود.
  ۳. نکته دیگری که در این مباحث و همچنین مباحث اجتماع امرونی وجود دارد این است که برخی از اصولیون، این مباحث را جزء مباحث لفظی می‌دانند و برخی دیگر نیز این مباحث را جزء مباحث عقلی می‌دانند که به نظر ما این مباحث هم جز مباحث عقلی می‌باشند و هم جز مباحث لفظی می‌باشد و هویت و ماهیتی فرا لفظی و فراعقلی دارد چون در این مباحث هم از لفظ بحث می‌شود و هم مباحث عقلی طرح می‌شود.
- اگر این نکات در تبویب و تنظیم ابواب مورد توجه واقع شود، تغییراتی در تبویب و تنظیم سنتی مباحث اصول ایجاد می‌شود.

## نواهی

به ترتیب کفایه، بعد از بحث اوامر، از نواهی بحث می‌شود. در نواهی دو جهت بحث وجود دارد که جهت اول بحث مربوط به ماده نهی و جهت دوم بحث مربوط به صیغه نهی می‌باشد.

## جهت اول بحث: ماده نهی

جهت اول بحث در نواهی در ماده نهی می‌باشد و اینکه اصل ماده نهی چیست؟ و برای چه وضع شده است؟



## معانی سه گانه ماده نهی در لغت

در کتب لغت برای ماده نهی سه معنا ذکر شده است.

۱. منع و زجر و بازداشتن

۲. عقل و حکمت

۳. نهایت و پایان

متبادر از ماده نهی معنای اول یعنی منع و زجر می باشد.

## احتمالات در نسبت معانی سه گانه به لحاظ تحلیل لغوی

متبادر از معنای ماده نهی و همچنین معنایی که از آن در محل بحث اراده می شود منع و زجر می باشد منتها به لحاظ تحلیل لغوی در نسبت این معانی و اینکه کدام یک معنای اصلی می باشند، چند احتمال وجود دارد. احتمال اول این است که این سه معنا مشترک لفظی باشند. احتمال دوم این است که معنای اصلی نهی همان منع و زجر باشد و بعد به مناسبت اینکه عقل و حکمت معمولاً بازدارنده از امور ناشایست و مذموم می باشد، به آن نهی اطلاق شده باشد یعنی اسم ملزوم و مسبب را بر سبب گذاشته باشند. احتمال سوم هم برعکس احتمال دوم این است که معنای اصلی نهی عقل و حکمت باشد و بعد به منع و زجر هم نهی اطلاق شده است و اسم سبب را مسبب اطلاق کرده باشند. این احتمالات در مورد معنای نهایت و پایان هم مطرح است.

## نقد استاد بر مباحث تحلیلی لغوی در کتب لغت

نکته ای که به تناسب بحث در اینجا قابل طرح است و به اجمال به آن می پردازیم این است که در برخی کتب لغوی مانند مقایس و به شکل افراطی تری در کتاب التحقيق بین تطور تاریخی لفظ و معنا و وجه انتقال آن از معنایی به معنای دیگر و اینکه این لفظ در حال حاضر مشترک معنوی است یا مشترک لفظی خلط شده است. اینکه یک معنا در مراحل مختلف و به علاقاتی بر سبب یا مسبب معنا و یا بر لازم یا ملزوم آن اطلاق شود، یک بحث می باشد که در مباحث تحلیل لغوی می توان به آن پرداخت و اینکه در حال حاضر آیا این معانی مختلف مشترک لفظی هستند یا مشترک معنوی بحث دیگری است که در کتب لغوی بین این دو بحث خلط شده است. اشتباه دیگری که در این کتب به ویژه کتاب التحقيق رخ داده است این است که بسیاری موارد برای معانی مختلف معنای جامعی ذکر می شود و آن معانی به معنای جامع تری برگردانده می شود، در صورتی که این گونه نیست و در مواردی آن معنا نمی تواند جامع آن معانی باشد.



هرچند در برخی موارد ممکن است در شکل‌گیری معانی مختلف مجازی برای یک‌لفظ، سیر و تطور تاریخی دخیل بوده باشد و بعداً آن معنا تبدیل به یک معنای مستقل شود و به لفظ مشترک لفظی اطلاق شود اما همیشه این‌گونه نبوده است بلکه در مواردی هم یک‌لفظ در قبایل مختلف معانی مختلفی داشته است مانند عین که در جمع‌آوری لغت و یا پدیدار شدن گفتمان لغت واحد، آن لغت در آن معانی مختلف استعمال شود. پس این‌گونه نیست که بتوان برای معانی مختلف همیشه معنای جامعی ذکر کرد و یا اینکه در تحلیل لغوی یکی از معانی را به‌عنوان معنای اصلی ذکر کرد و دیگر معانی را معانی مجازی و یا معانی حقیقی که در سیر و تطور تاریخی پدید آمده باشد دانست.

### نظر استاد در مورد معانی مختلف نهی: اشتراک لفظی

به نظر ما نهی در حال حاضر و عصر آیات و روایات مشترک لفظی می‌باشد و نهی به نحو اشتراک لفظی در منع و زجر، عقل و حکمت و نهایت و پایان به‌کاررفته است. البته معنای منع و زجر، هم بر زجر و منع تشریعی و اعتباری اطلاق می‌شود مانند «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» نحل/۴۰ و هم بر منع و زجر تکوینی مانند «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ» نازعات/۴۰ معنای نهی تکوینی این است که در مقام عمل از هوی و هوس اجتناب می‌کند نه اینکه خود را خطاب قرار دهد و نهی کند و هم بر معنای مطلق از دو معنای قبل و نهی به معنای زجر و منع در این سه معنا مشترک لفظی می‌باشد. در محل بحث و علم اصول مراد از نهی، معنای منع و زجر اعتباری می‌باشد و این معنا اراده می‌شود.

### جهت دوم بحث: صیغه و هیئت نهی

جهت دوم بحث در نواهی در صیغه و هیئت نهی که لاتفعل است، می‌باشد و این سؤال وجود دارد که این صیغه و هیئت برای چه معنایی وضع شده است؟ البته هیئت و صیغه نهی مانند دیگر هیئت‌های نه‌گانه اصلی مانند فاعل، مفعول، ماضی، مضارع که در صرف ذکر شده است از معانی حرفیه هستند که دارای معنای مستقلی نیستند بلکه این هیئت‌ها در عالم الفاظ عارض ماده اصلی می‌شوند و همه کلمات حتی مصدر و اسم مصدر مرکب از ماده و هیئت می‌باشند.

### اقوال در موضوع له هیئت نهی

در اینکه موضوع له صیغه و هیئت نهی چیست، نظریات مختلفی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها سه نظریه زیر می‌باشد.

نظریه اول: طلب ترک



نظریه اول که نظریه مشهور متقدمین تا زمان صاحب کفایه می‌باشد و صاحب کفایه هم به آن گرایش پیدا کرده است این است که موضوع له صیغه و هیئت نهی، طلب ترک فعل می‌باشد مثلاً وقتی گفته می‌شود لاتضرب مراد طلب ترک ضرب می‌باشد.

#### نظریه دوم: زجر و منع تشریعی و اعتباری

نظریه دوم در موضوع له صیغه و هیئت نهی که نظریه مشهور و غالب متأخرین می‌باشد این است که موضوع له صیغه و هیئت امر، نهی و زجر اعتباری و تشریعی می‌باشد.

#### نظریه سوم: اعتبار حرمان بر عهده مکلف

نظریه سوم که نظریه شاذ و نادر مرحوم آقای خویی می‌باشد این است که مدلول هیئت و صیغه امر و نهی بعث و زجر و طلب نیست بلکه موضوع له امر اعتبار و وضع انجام شیئی بر عهده مکلف و موضوع له هیئت و صیغه نهی اعتبار حرمان و محرومیت بر ذمه مکلف می‌باشد. بنا بر این نظر اختلافی که برای انشا و اخبار ذکر شده است از بین می‌رود. این نظریه، نظریه خاصی است که از بین شاگردان ایشان هم کسی به این نظریه التزام پیدا نکرده است.